

دیدگاه مفسران فریقین درباره‌ی تحلیل «امّهات المؤمنین» در آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب

چکیده: حفظ حرمت بیت نبوت برای همگان حتی برای زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واجب است، قرآن برای حفظ این بیت نیز تمام مساعی خود را به کار برده است. از این رو قرآن لغزش آنان را مضاعف و پاداش اطاعت آنان از خدا و رسولش را دو برابر در نظر می‌گیرد. بنابراین در پرتوی این آیات و مانند آنها می‌توان به معنا و مراد از «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» پی برد. به طور قطع می‌توان ادعا کرد قرآن فضیلت و پاداشی برای زنان پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این نظر که همسر پیامبرند در نظر نگرفته و حسابی جداگانه برای آنان باز نکرده است بلکه معیار نجات، فضیلت و پاداش مضاعف را بر اساس خداخواهی و رسول او، آخرت خواهی، اطاعت و فرمان برداری از خدا و رسول قرار داده است و نحوه برخورد ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام با زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مفسر این تعبیر است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن، سوره‌ی احزاب، امّهات المؤمنین، همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

دکتر زهره اخوان مقدم

دانشیار

دانشگاه علوم و معارف قرآن

تهران

dr.zo.akhavan@gmail.com

عاطفه بیانی هدش

(نویسنده‌ی مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد،

دانشگاه علوم و معارف قرآن

تهران

a.bayani1990@gmail.com

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۴

پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۵

۱. مقدمه

خداوند در قرآن کریم به صراحت، همسران رسول خدا ﷺ را مادران مؤمنان، معرفی کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (الأحزاب، ۶). اینکه همسران رسول خدا، مادران مؤمنان هستند، امری قطعی و از جانب خداوند است؛ اما سؤالاتی که مطرح می‌شود، از این قرار است که اول: «ام المؤمنین» بودن به چه معنا است و چه احکامی بر آن مترتب می‌شود؟ دوم: آیا این تعبیر، یک نوع شرافت و فضیلتی برای همسران پیامبر خدا ﷺ است یا تنها تکلیفی را برای مؤمنان، در حرمت نکاح و وجوب تعظیم به وجود می‌آورد؟ بنابراین برای یافتن پاسخ صحیح به بررسی دقیق این مسأله از دیدگاه فریقین خواهیم پرداخت.

۲. درآمدی بر آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب

خداوند، در آیه‌ی ششم سوره‌ی الاحزاب، می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَاءِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ یعنی: پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان، سزاوارتر است و همسرانش، مادران آنها هستند و خویشان‌اندان، نسبت به یکدیگر در کتاب خداوند از مؤمنان

و مهاجران سزاوارترند، مگر آنکه بخواهید به دوستانتان نیکی کنید که این در کتاب خدا نوشته شده است.

این آیه، از جمله آیاتی است که تفسیر آن در بین مفسران فریقین، یکسان نیست و شامل چند حکم کلی از جانب خداوند است که هر حکم را می‌توان در بخش جداگانه‌ای مورد بررسی قرار داد. خداوند، در قسمت اول آیه، «النبی اُولیٰ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ» به حکم برتر و سزاوارتر بودن پیامبر ﷺ اشاره می‌کند. در قسمت دوم «وَ اَزْوَاجُهُ اُمَّهَاتُهُمْ» نیز، همسران پیامبر ﷺ، به عنوان مادران مؤمنین معرفی شده‌اند و در بخش سوم طبق دستور خداوند، قرابت و خویشاوندی، ملاک ارث بردن قرار داده شده است اما محور اصلی تفاوت تفسیر فریقین، معنای «ولی» و چگونگی «ام المؤمنین» بودن همسران پیامبر ﷺ است. البته در این مقاله، تمرکز اصلی بر قسمت دوم آیه است.

۱.۲. بررسی سیاق آیه‌ی ششم

موضوع سیاق از بحث‌هایی است که در دانش تفسیر جایگاه مهمی دارد و یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های فهم قرآن در دیدگاه برخی مفسران است به طوری که بی‌توجهی به آن ممکن است تفسیر قرآن را از راه صحیح خود منحرف کرده به تفسیر به‌رأی ختم شود (فاکرمی‌دی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۱۵۴-۱۳۱).

۲.۲. بررسی ارتباط پنج آیه‌ی اول سوره‌ی احزاب با آیه‌ی مورد بحث

آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب، با پنج آیه‌ی قبل از خود و دو آیه‌ی هفتم و هشتم، در یک سیاق واحد قرار دارند. با بررسی پنج آیه‌ی قبل، این نکات به دست می‌آید که خداوند در آیه‌ی اول، به صفت خدا ترس بودن و با تقوا بودن

پیامبر ﷺ اشاره کرده و به رسول خدا ﷺ امر می‌کند که از کافران و منافقان پیروی نکند.

در آیه‌ی دوم، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ، این‌گونه آمده است که فقط از وحی الهی تبعیت کند و بداند که خداوند به همه‌ی علوم آگاه است. بنابراین اگر دستوری می‌دهد بر اساس حکمت و علم خداوندی است.

در آیه‌ی سوم، خداوند خطاب به رسولش می‌فرماید که بر خدا توکل کن و بدان، این برای تو کافیست. بنابراین تا انتهای آیه‌ی سوم، خداوند به برخی از صفات مهم پیامبر ﷺ در قالب خطاب‌هایی که به ایشان عرضه داشته است، اشاره می‌کند که این می‌تواند در راستای آماده‌سازی اذهان عمومی برای پذیرش مطلب اصلی باشد.

در آیه‌ی چهارم اشاره شده که پروردگار حقیقت را می‌گوید و به راه راست رهنمون می‌سازد. بنابراین فرمایشات خداوند، حق است و رعایت آن موجب رستگاری است.

در آیه‌ی پنجم، از غفور بودن و رحیم بودن خداوند سخن به میان آمده که این یک اطمینان‌خاطری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. بنابراین با توجه به بررسی پنج آیه‌ی اول سوره‌ی احزاب که در یک سیاق واحد قرار دارند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که آیات اول تا پنجم این سوره، مقدمه‌ای برای نزول آیه‌ی ششم آن می‌باشد. به عبارت دیگر خداوند برای مردم در پنج آیه ابتدای سوره‌ی احزاب، خود و پیامبرش را معرفی کرد تا سه حکم مهم آیه‌ی ششم آن را تکذیب نکنند؛ زیرا در آیه‌ی ششم به مطلب مهمی اشاره شده و آن «اولی به

نفوس» بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

اکنون نوبت به آیه‌ی ششم احزاب می‌رسد که مسأله‌ی ولایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و برتری آن جناب بر همگان مطرح می‌شود. لازم به ذکر است که چند عامل، زمینه‌ی اعمال فشار کافران و منافقان بر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فراهم می‌سازد. اول آنکه، مؤمنان درک درستی از اولویت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به خود ندارند و در نتیجه نادانسته، منافقان را در اعمال فشار بر آن حضرت همراهی می‌کنند. دوم آنکه، جایگاه همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی‌شناسند و با تصویری نادرست درباره‌ی ایشان، به آزار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداخته و مسأله‌ی ازدواج با همسران پیامبر را مطرح می‌نمایند. سوم آنکه، درک مناسبی از اولویت بستگان رحمی نسبت به یکدیگر ندارند و روابط ایمانی و سوابق هجرت و امثال آن را بر روابط نسبی مقدم می‌شمارند و در نتیجه، تبنی اعتباری و نظیر آن (اخوت اعتباری دینی) را بر روابط نسبی پیشی می‌دهند.

از این رو خداوند در آیه‌ی ششم احزاب، نسبت به عامل نخست، مؤمنان را به اولویت پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر نفوس خودشان هشدار می‌دهد. سپس با بیان اینکه همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به منزله‌ی مادران امت هستند، جایگاه آنان را مشخص می‌کند که اولاً ولایت فقط مخصوص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است نه همسرانش و ثانیاً چون همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مادر مؤمنان هستند، ازدواج با آنها حتی پس از فوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ممکن نیست. و نیز نسبت به عامل سوم، با بیان اولویت ارحام، تصحیح بینش می‌فرماید.

۳.۲. ارتباط آیه‌ی ششم احزاب با آیات بعد

آیات هفتم و هشتم سوره‌ی احزاب از جمله آیاتی است که به طور غیر صریح از عالم ذر خبر می‌دهند. خداوند در آیه‌ی هفتم سوره‌ی احزاب می‌فرماید: ما از انبیاء میثاقی غلیظ گرفتیم، مبنی بر اینکه بر دین واحد متفق الکلمه باشند و همان را تبلیغ کنند. در ادامه از صادقان می‌خواهد که عمل و گفتارشان نمایانگر آن پیمان باشد و از ایشان صدق در اعتقاد و عمل را مطالبه می‌کند. انبیاء هم با توجه به امر خداوند، این وظیفه را انجام دادند. از این رو برای آنان پاداشی در نظر گرفته شد و برای کافران که خلف وعده کردند، عذابی دردناک آماده شده است.

بنابراین با توجه به دو آیه‌ی هفتم و هشتم سوره‌ی احزاب، اینکه پیامبر ﷺ جایگاه وسیعی داشته و اولی به نفوس مؤمنان معرفی شده، دارای پیشینه‌ای قوی و مستدل است که به واسطه‌ی آن از انبیا میثاق گرفته شده است. تا بدانید که پیامبران در ادعاهایی که در ارتباط با خداوند دارند، صادق هستند. از این رو واجب اطاعة خواهند بود.

۳. بررسی بخش دوم آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب

در بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب، خداوند می‌فرماید: همسران پیامبر ﷺ، مادر مؤمنان، محسوب می‌شوند. شأن نزول این آیه، بی‌ارتباط با آیه ۵۳ سوره احزاب ﴿... وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تَنْكَحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبْدًا...﴾ نخواهد بود. زیرا در بخش دوم، همسران پیامبر ﷺ مادران مؤمنین محسوب شدند، لذا بحث حرمت نکاح مطرح می‌شود. از طرفی در آیه‌ی ۵۳

احزاب، به صراحت به حکم حرمت نکاح اشاره می‌کند. بنابراین در توضیحات آیه‌ی مورد نظر، به آن اشاره خواهیم کرد.

۴. مفهوم شناسی واژه «ام»

واژه‌ی «امهات»، جمع واژه‌ی «ام» و به معنی مادر است و هم‌چنین به هر چیز که باعث به وجود آمدن یا تربیت و اصلاح و یا ابداع چیزی شود، واژه‌ی ام اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۵) این واژه، همیشه در لغت عرب بر عظمت مطلب و اهمیت مقام به‌کار رفته و هر جا واژه‌ی «ام» را آورده‌اند، مرتبه‌ی عالی و درجه‌ی والا را نشان می‌دهد. مانند: ام‌القری (کعبه)، ام‌الکتاب (القرآن)، ام‌النجوم (کهکشان)، ام‌الکائنات، ام‌الأخلاق و ... این قبیل اصطلاحات، نشان‌گر اهمیت موضوع هستند (ن. ک: قرشی، ۱۳۶۱ ق، ج ۱، ص ۱۱۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۵، ص ۱۸۶۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۹۲). لازم به ذکر است واژه‌ی «ام» و مشتقاتش ۱۲۴ مرتبه در قرآن به‌کار رفته است. مفرد این واژه نه بار و در پنج مورد، اضافه به ضمیر، استعمال شده است. هم‌چنین این واژه، در یک مورد به حالت جمع بدون اضافه و در ۱۰ مورد، اضافه به ضمیر شده است. دیگر مشتقات واژه‌ی «ام» ۹۹ بار در قرآن، ذکر شده است.

۱.۴. بررسی دیدگاه شیعه

در بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب، باید محدوده‌ی احکام آن توسط شارع مقدس تبیین گردد. از این رو مفسران شیعه، ذیل این بخش، به تبیین معنا و مفهوم آن پرداخته و نظرات خود را بیان کرده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۱.۱.۴. مراد از ام‌المؤمنین بودن همسران پیامبر ﷺ

در آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب، پس از اینکه خداوند، ولایت مطلقه‌ی پیامبر ﷺ را بر مؤمنان یادآور می‌کند، با تصریح می‌فرماید: همسران پیامبر، مادران مؤمنان هستند. با توجه به سیاق آیات که در صدد معرفی شأن و مقام رسول خدا است، از این رو همسرانش به خاطر نسبت همسری با وی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بنابراین معلوم می‌شود، معرفی آنان به عنوان «مادران مؤمنان»، نه به عنوان شأنی معنوی، بلکه فقط برای حفظ حرمت و احترام رسول خدا ﷺ است. اما می‌دانیم که مادر، هم واجب‌الاحترام است و هم به فرزندان خود محرم است. بر او لازم نیست در برابر فرزندان، پوشش کامل داشته باشد. فرزندان می‌توانند اگر مادر بدون پوشش کامل بود، به وی نگاه کنند. ازدواج با مادر حرام است و او و فرزندانش از یکدیگر ارث می‌برند. هم‌چنین ازدواج فرزندان او که خواهر و برادر یک‌دیگرند، با هم حرام است. با مرور کوتاه احکام بین مادر و فرزند، اکنون باید دانست کدام یک از این احکام، در ارتباط با همسران پیامبر ﷺ به عنوان ما در مؤمنان جاری است. در بررسی کلی منابع شیعه ذیل این بخش، به این نتیجه رسیدیم که تنها دو حکم که همان وجوب احترام و حرمت نهادن به زنان پیامبر ﷺ و حرمت ازدواج با آنها است، جاری است. البته وجوب احترام همسران پیامبر ﷺ نتیجه‌اش حرمت نکاح با آنان خواهد بود. اکنون در ادامه به توضیح این احکام خواهیم پرداخت.

۲.۱.۴. حرمت نکاح با همسران پیامبر ﷺ

اکثر مفسران شیعه معتقدند از این بخش آیه، تنها حرمت نکاح را می‌توان برداشت کرد (ن. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۲۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ طوسی، ج ۸، ص ۳۱۸؛ طیب، ۱۳۷۸ ق، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۷ ق، ج ۳، ص ۳۰۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۳۷۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۳۴۸).

اما برخی دیگر علاوه بر حرمت ازدواج، به وجوب تعظیم همسران پیامبر ﷺ اشاره کرده‌اند. (ن. ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۰، ص ۳۲۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۸، ص ۲۶۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۳، ص ۵۷؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱۶، ص ۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۰۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۷، ص ۲۵۱) این مفسران در ادامه دلایلی را برای اثبات برداشت‌شان ذکر کرده‌اند که بدین شرح است:

الف) فلسفه‌ی حرمت ازدواج با زنان پیامبر ﷺ

ترک ازدواج با زنان رسول خدا ﷺ یک نوع احترام به شخصیت پیامبر ﷺ است. همان‌طور که مسلمانان در حال حیات پیامبر ﷺ باید به شخصیت ایشان احترام بگذارند، پس از درگذشت ایشان نیز باید احترامشان را در نظر بگیرند و تردیدی نیست که ترک ازدواج با همسر یک شخصیت بزرگ، نوعی احترام به وی به شمار می‌رود. همسران پیامبر ﷺ به خاطر احترام خاصی که در میان مسلمانان داشتند، اگر با کسی وصلت می‌کردند، مایه‌ی جلب قلوب مردم به سوی او می‌شدند. اگر این مسأله، مجاز بود جمعی به عنوان اینکه همسر

پیامبر ﷺ را بعد از او در اختیار خود گرفته‌اند، ممکن بود این کار را وسیله‌ی سوء استفاده قرار داده و به این بهانه موقعیت اجتماعی برای خویش دست و پا کنند و یا به عنوان اینکه آگاهی خاص از درون خانه‌ی پیامبر ﷺ و تعلیمات و مکتب او دارند به تحریف اسلام پردازند. هم چنین ممکن بود، منافقان مطالبی را از این طریق در میان مردم نشر دهند که مخالف مقام پیامبر ﷺ باشد.

خداوندی که بر اسرار نهان و آشکار آگاه است برای برهم زدن این توطئه‌ی زشت یک حکم قاطع صادر فرمود و جلوی این امور را به کلی گرفت و برای تحکیم پایه‌های آن به همسران پیامبر ﷺ لقب ام‌المؤمنین داد تا بدانند ازدواج با آنها هم چون ازدواج با مادر خویش است! با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که چرا همسران پیامبر ﷺ لازم بود از این محرومیت استقبال کنند؟ در طول زندگی انسان، گاه مسائل مهمی مطرح می‌شود که به خاطر آنها باید فداکاری و از خودگذشتگی نشان داد، و از بعضی از حقوق حقه‌ی خود چشم پوشید، به خصوص اینکه همیشه افتخارات بزرگ مسئولیت‌های سنگینی نیز همراه دارد. بدون شک همسران پیامبر ﷺ افتخار عظیمی از طریق ازدواجشان با پیامبر ﷺ کسب کردند. داشتن چنین افتخاری نیاز به چنین فداکاری هم دارد. به همین دلیل زنان پیامبر ﷺ بعد از او در میان امت اسلامی بسیار محترم می‌زیستند و از وضع خود بسیار راضی و خشنود بودند و آن محرومیت را در برابر این افتخارات، ناچیز می‌شمردند. (ن. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۴۳۲).

از این رو، بزرگ‌ترین حربه‌ی پیمان شکنان جنگ جمل این بود که یکی از همسران رسول خدا ﷺ با آنان همراهی نموده است. اگر ازدواج با همسران

رسول خدا ﷺ مشروع و قانونی بود، ممکن بود بعضی از رجال سیاسی، پیوند خود را با همسران رسول خدا ﷺ دستاویز قرار داده و افکار را به نفع خود متوجه سازند. این خطر هنگامی محسوس تر می‌شود که بدانیم گروهی خود را برای این کار آماده ساخته بودند از این رو آیه‌ی ۵۳ الأحزاب نازل شد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»^۱. یعنی: شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و هرگز نباید همسران او را بعد از وی به همسری خود درآوردید، که این کار نزد خدا گناهی بزرگ است.

در شأن نزول این آیه، روایت شده است که طلحه بن عبیدالله گفته بود: محمد ﷺ ما را از گرفتن دختر عموهایمان منع می‌کند، آن وقت بعد از ما زنان ما را می‌گیرد؟! ما هم صبر می‌کنیم تا او بمیرد، زنان او را بعد از او می‌گیریم و روایت شده که منظور او عایشه و ام سلمه بوده است. این سخنان به گوش پیامبر خدا ﷺ رسید و آن حضرت را ناراحت و غمگین کرد، خداوند به خاطر حفظ حرمت و تسکین قلب نازنینش این حکم را نازل کرد و به همه‌ی صحابه گوشزد نمود که هرگز حق ازدواج با همسران آن حضرت بعد از وفات ایشان را ندارید (ن. ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ۱، ص ۳۶۶-۳۶۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۵، ص ۳۴۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ش، ۷، ص ۲۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش، ج ۱۷، ص ۴۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ش، ۵، ص ۱۴۸).

این معنا با روایاتی تأیید می‌شود، از جمله روایتی که از عایشه نقل شده: «زنی به عایشه گفت: ای مادر! عایشه پاسخ داد: من مادر تو نیستم مادر مردان شما هستم» (ن. ک: اندلسی، ۱۴۲۲، ق، ۴، ص ۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش،

ج ۱۷، ص ۲۰۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۳۴۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۷، ص ۲۵۱). معنای این سخن عایشه این است هدف از تعبیر «أمهاتهم» در آیه، حرمت تزویج است و این تنها در مورد مردان امت صادق است. اما به غیر از مسأله‌ی ازدواج، موضوع احترام و بزرگداشت نیز مطرح است و لذا زنان مسلمان نیز می‌توانستند به عنوان احترام، همسران پیامبر ﷺ را مادر خود خطاب کنند. لذا توجه به این نکته ضروری است که از آیه‌ی ششم احزاب به تنهایی، حرمت نکاح برداشت نمی‌شود. زیرا حکم مادری فقط بزرگداشت و احترام و حرمت‌گذاری همسران را لازم می‌گرداند و وقتی محرمیت در بین نباشد، به نظر می‌رسد پس از شهادت رسول خدا ﷺ یا بعد از طلاق دادن زنان توسط ایشان، می‌توان با آنها ازدواج کرد، چه اینکه حکم مادری فقط برای حفظ حرمت پیامبر ﷺ بود. بنابراین مسأله‌ی حرمت ازدواج با آنان، جداگانه در آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی احزاب ذکر می‌شود. پس مادر بودن همسران رسول خدا ﷺ یک حکم، کلی و عام است و مخاطب آن همه‌ی مردان و زنان مؤمن هستند. همسران پیامبر، مادر همه‌ی مردان و زنان مؤمن هستند. بر همه‌ی آنان (از زن و مرد) حفظ حرمت و احترام همسران پیامبر به عنوان «مادر» لازم و واجب است. آنان فقط نسبت به مردان مؤمن حکم مادری ندارند. بنابراین حرام بودن ازدواج با همسران پیامبر ﷺ برای تکریم شأن و منزلت رسول خدا ﷺ است و «مادر بودن» آنان هم، کنایه از عظمت شأن آنان است (ن. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۳).

ب) اعتبار دنیوی مادر بودن همسران رسول خدا ﷺ

مادر مؤمنان بودن، برای همسران رسول خدا ﷺ فقط یک اعتبار دنیوی بود و هیچ مقام و شرافت معنوی و اخروی برای آنان ثابت نمی‌کرد. این اعتبار

بدان جهت لحاظ شد تا حرمت و حریم رسول خدا ﷺ محفوظ و محترم بماند، از این رو این حکم مطلق بیان شد و قیدی در آن ذکر نشد. اگر شرافت و مقام معنوی بود، به صالح بودن آنان مقید می‌گشت. این زنان تا وقتی که همسر رسول خدا باشند و حضرت آنان را طلاق نداده و یا نکاح آنان را فسخ نکرده باشد، واجب الاحترام می‌باشند. (ن. ک: حیدری، مجله‌ی پیام زن، قرآن و مسائل خانوادگی پیامبر ﷺ، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۷۹-۱۸۰، ص ۲۰۰) برای تأیید این نظر، به آیه‌ای از قرآن، به عنوان شاهد مثال اشاره می‌کنیم.

خداوند در آیه‌ی ۳۰ احزاب می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ یعنی: ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود و این برای خدا آسان است. بنابراین اگر چه «ام المؤمنین» بودن مقام رفیع و دست نیافتنی برای دیگران است؛ ولی سبب نمی‌شود که از دیگر گناهان آنها چشم‌پوشی شود؛ بلکه مسئولیت آنها را دو برابر می‌کند و اگر گناهی از آنها سر بزند، عذابشان نیز دو برابر خواهد بود. البته لازم به ذکر است که با مطالعه‌ی دیگر آیات سوره‌ی احزاب که خداوند در آن به بخشی از وظایف همسران پیامبر ﷺ اشاره کرده است، این نکته به دست می‌آید که لقب «ام المؤمنین» به تنهایی برای همسران پیامبر اعتبار معنوی ایجاد نخواهد کرد.

ج) شرط لقب «ام المؤمنین» برای همسران پیامبر ﷺ

برخی از مفسران در اینجا به نکته‌ی جالبی اشاره کرده‌اند. آنها گفته‌اند: این نسبت مادری میان مسلمانان و همسران پیامبر ﷺ، یک نسبت حقیقی نیست

و مادامی که خودشان با خروج از اطاعت پیامبر ﷺ و امام زمان خود، حرمت خود نشکنند، احترام آنان واجب است؛ بنابراین، اگر زنی از زنان پیامبر ﷺ در برابر امام معصوم زمان خود بایستد، به جهت هتک حرمت خویش، لزوم حفظ حرمت ایشان هم سلب می‌گردد؛ گرچه حرمت نکاح باقی است. (ن. ک: ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴، ص ۳۰۴).

هم‌چنین، با توجه به روایاتی که ذیل بخش دوم آیه وجود دارد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۰، ص ۳۲۱)، مادامی که همسران پیامبر ﷺ حرمت بیت نبوی را حفظ کردند، حکم فقهی آیه برایشان جاری است. اما اگر حرمت پیامبر ﷺ حفظ نشد، همسران از حکم مادری ساقط می‌شوند.

زیرا در روایاتی که ذیل همین آیه آمده، پیغمبر ﷺ طلاق برخی از زن‌ها را بعد از موت خودش به دست حضرت علی علیه السلام داده است. (ن. ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲۰، ص ۲۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۰، ص ۳۲۱) طلاق بعد از موت معنا ندارد. بنابراین، طلاق از این حکم، یعنی اگر کسی حرمت بیت نبوی را، حفظ نکرد، حضرت علی علیه السلام می‌تواند شرعاً اعلام کند که او دیگر مشمول آیه‌ی «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» نخواهد بود. پس آن روایات ناظر به این است فیض کاشانی حدیثی را در این باره از امام دوازدهم علیه السلام نقل می‌کند: از آن حضرت، از معنای طلاق که حکم آن را پیامبر ﷺ به علی علیه السلام واگذار فرموده بود، سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: وقتی خداوند شأن زنان پیامبر ﷺ را عظیم شمرد و آنان را به مقام امهات اختصاص داد، پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: این شرافت مادامی که بر طاعت‌اند باقی است؛ پس هر کدام از آنها بعد از وفات من، از راه خروج بر تو معصیت خدا را نمودند، او را از میان

همسران و از شرف مادری مؤمنان، ساقط گردان (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۳۲).

۲.۴. چگونگی جمع بین دو آیه «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» و «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»

با بررسی بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب و آیه‌ی دوم سوره‌ی مجادله، شاید این سؤال به ذهن متبادر گردد که آیا این دو آیه باهم متعارض نیستند؟ زیرا خداوند در سوره‌ی مجادله می‌فرماید: کسانی که گاهی همسرانشان را به منزله‌ی مادر خود قرار می‌دهند، سخن باطلی می‌گویند، مادر آنها فقط کسی است که از او متولد شده‌اند. با این حال چگونه با توجه به آیه‌ی ششم احزاب، همسران پیامبر ﷺ که مسلمانان از آنان متولد نشده‌اند مادر محسوب می‌شوند؟ در پاسخ این سؤال باید به این نکته توجه کرد که خطاب مادر به یک زن یا باید از نظر جسمانی باشد یا روحانی، اما از نظر جسمانی تنها در صورتی این معنی واقعیت دارد که انسان از او متولد شده باشد و این همان است که در آیه‌ی دوم سوره‌ی مجادله آمده که مادر جسمانی انسان، تنها کسی است که از او متولد شده است و اما پدر یا مادر روحانی، کسی است که یک نوع حق معنوی بر او داشته باشد، هم‌چون پیامبر ﷺ، که پدر روحانی امت محسوب می‌شود و به خاطر او همسرانش احترام مادر را دارند. ایرادی که به اعراب جاهلی در مورد «ظهار» متوجه است، این بود که وقتی همسران خود را مادر خطاب می‌کردند، مسلماً منظور آنها مادر معنوی نبود، بلکه منظورشان این بود که آنها به منزله‌ی مادر جسمانی هستند، لذا آن را یک نوع طلاق می‌شمردند، و می‌دانیم مادر جسمانی

با الفاظ درست نمی‌شود، بلکه شرط آن تولد جسمانی است. بنا بر این سخن آنها سخن منکر و زور و باطل بود. اما در مورد همسران پیامبر ﷺ اگر چه آنها مادر جسمانی نیستند، ولی به احترام پیامبر ﷺ مادر روحانی‌اند، و احترام یک مادر را دارند و اینکه قرآن، در آیه‌ی ۵۳ احزاب ﴿وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدٌ﴾، ازدواج با همسران پیامبر ﷺ را تحریم کرده، آن نیز یکی از شئون احترام آنها و احترام پیامبر ﷺ است، چنان که توضیح آن قبلاً بیان شد. البته نوع سومی از مادر، در اسلام به عنوان مادر رضاعی وجود دارد که در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی نساء به آن اشاره شده است. ولی آن در حقیقت یکی از شاخه‌های مادر جسمانی می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۰۵).

۳.۴. پیامبر ﷺ پدر معنوی امت

در ذیل بخش دوم آیه‌ی احزاب، دسته‌ی دیگری از روایات وجود دارند که بر قرائت جمله‌ی ﴿و هو اب لهم﴾ در ادامه‌ی بخش، دلالت دارند. اکنون توضیحاتی را در این باره ارائه می‌کنیم.

مفسران در ذیل این بخش، از امام صادق علیه السلام حدیثی را نقل می‌کنند که در ضمن آن، امام علیه السلام بعد از اینکه عبارت ﴿و أزواجه أمهاتهم﴾ را قرائت می‌کند، این جمله را اضافه می‌فرماید: ﴿و هو أب لهم﴾. متن این حدیث از ابی بن کعب، ابن مسعود و ابن عباس نیز به همین گونه، روایت شده است. متن روایت «فی مصحف ابی بن کعب» و «أزواجه أمهاتهم و هو أب لهم»، و قرأ ابن عباس «من أنفسهم و هو أب لهم و أزواجه أمهاتهم» (ن. ک: حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۰، ص ۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، ص ۲۴۳، طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۵، ص ۹۹؛

شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۶۱۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۰، ص ۳۲۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۳۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲۰، ص ۲۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۷، ص ۲۵۱.

در شرح این روایت باید گفت: همان طوری که همسران پیامبر ﷺ مادران مؤمنان هستند، خود پیامبر ﷺ نیز پدر مؤمنان هست.

براین اساس فیض کاشانی در تفسیر صافی، ذیل این روایت، اشاره می‌کند که پیامبر ﷺ در امر دین و دنیا پدر امت خواهند بود. در دین، از آن جهت که هر نبی، برای امتش، در حکم پدر خواهد بود تا امت را به سوی حیات جاویدان و رستگاری هدایت کند، از این رو مؤمنان، برادر یکدیگرند و در امر دنیا، از آن جهت که، چون خداوند پیامبر را پدر مؤمنین قرار داده است، کفالت آنها را نیز به عهده او قرار داده و تربیت یتیم‌ها را به او واگذار کرده است (ن. ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۵).

بروجردی نیز در تفسیر جامع نقل کرده است که خداوند مؤمنین را فرزند پیغمبر ﷺ و آن حضرت را پدر آنها معرفی می‌فرماید. زیرا کسانی هستند که مال و ثروتی ندارند و نمی‌توانند خود را حفظ کنند و بر وجود خود سیطره و تسلط داشته باشند لذا خداوند آنها را تحت تربیت و ولایت پیغمبر ﷺ خود قرار داده و بر مؤمنین اولی و برتر از نفس خودشان داشته است و روی این اصل نبی اکرم ﷺ در روز غدیر خم از مردم سؤال فرمود آیا من اولی بشما از خود شما نیستم؟ گفتند: آری ای رسول خدا ﷺ سپس حضرت ﷺ فرمود: پس امیر المؤمنین ﷺ هم چون من به شما اولی است. و خداوند بر پیغمبر اکرم ﷺ تربیت ایتام را ملزم

فرمود (بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۳۲۹).

در این زمان بود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر بخش منبر رفت و فرمود هر کس مالی بجا بگذارد متعلق به ورثه‌ی او است و هر کسی قرضی بگذارد یا اهل و عیال بی سرپرست داشته باشد، انجام امور آنها بر عهده‌ی من است و به من برگشت می‌کند. خداوند برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن حقی را که پدر از فرزندش دارد لازم شمرده و همان اطاعت را که فرزند از پدر باید انجام دهد، واجب نموده که مؤمنین در حق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رعایت نمایند. هم‌چنین این روایت، به نوعی، می‌تواند مؤید این نکته باشد، که مراد از عبارت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»، مادر معنوی خواهد بود. زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پدر معنوی امت بوده است.

در نتیجه با توجه به بررسی دیدگاه مفسران شیعه، ذیل بخش دوم آیه و روایاتی که بدان استناد کرده‌اند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که طبق دیدگاه شیعه، عبارت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» در ظاهر به حکم مادر بودن همسران پیامبر اشاره دارد، ولی در باطن مؤید ولایت و برتری همه‌جانبه‌ی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

۴.۴. بررسی دیدگاه اهل تسنن در بخش دوم

مفسران اهل تسنن همانند مفسران شیعه، ذیل بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب، به تبیین معنا و مفهوم آن پرداخته و نظرات خود را بیان کرده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۱.۴.۴. بررسی روایات شأن نزول آیه

اکثریت مفسران اهل تسنن، به طور صریح در باب شأن نزول آیه‌ی ششم

احزاب، سخنی به میان نیاورده‌اند، بلکه برخی هم چون مفسران شیعه، برای تأیید معنای حرمت ازدواج با همسران پیامبر ﷺ، به شأن نزول آیه‌ی ۵۳ احزاب اشاره کرده و به نقل از مقاتل بن سلیمان گفته‌اند: طلحة بن عبید الله قرشی از بنی تمیم گفت: محمد، ما را از اینکه به نزد دختر عمویمان یعنی عائشه رویم منع می‌کند. سپس در دل خویش گفت: قسم به خدا اگر محمد بمیرد و من زنده باشم، با عائشه ازدواج می‌کنم. به همین سبب خداوند این آیه را نازل کرد که «شما حق ندارید، رسول خدا را آزار دهید و حق ندارید که بعد از او با همسرانش ازدواج کنید که این کار در نزد خداوند (گناه) بزرگی است». زیرا خداوند همسران رسول خدا ﷺ را در حرمت ازدواج مانند ما درانشان قرار داده است و به همین سبب خدا ازدواج با آنان را گناه کبیره برای مومنان دانسته است.

قرطبی نیز در این باره نقل می‌کند: ابن عباس گفته است که یکی از بزرگان قریش از ده نفری که با رسول خدا ﷺ در غار حراء بودند در دل خویش گفت: اگر پیامبر از دنیا برود، با عائشه که دختر عمومی من است ازدواج می‌کنم! مقاتل می‌گوید: او طلحة بن عبید الله است. ابن عطیه نیز گفته: روایت شده است که این آیه در مورد یکی از صحابه نازل شد که گفت: اگر رسول خدا ﷺ بمیرد، با عائشه ازدواج می‌کنم. این خبر به رسول خدا ﷺ رسید! و آن حضرت نیز بدین سبب آزرده شد، بدین جهت آیه نازل گشت (همو، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۰۹).

با توجه به این روایات، مسأله‌ی حرمت نکاح با همسران پیامبر ﷺ تأیید می‌شود. البته در بین مفسران اهل تسنن، دو دیدگاه پیرامون مفهوم عبارت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» وجود دارد. برخی تنها به مسأله‌ی حرمت نکاح اشاره کرده‌اند. اما اکثریت اهل تسنن، علاوه بر حرمت نکاح، وجوب تعظیم همسران پیامبر ﷺ

را برداشت کرده‌اند. در ادامه به بیان دیدگاه هر گروه پرداخته و نظراتشان را بیان خواهیم کرد.

الف) حرمت نکاح با همسران پیامبر ﷺ

برخی از مفسران اهل تسنن، معتقدند از بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب، یعنی عبارت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» تنها می‌توان، حرمت نکاح را برداشت کرد (ن. ک: طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱، ص ۷۸، بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۶۹-۷۰) این دسته از مفسران برای اثبات نظر خود روایتی را ذکر کرده‌اند که خواهد آمد. روایتی از عایشه نقل شده است که می‌گوید: «زنی به عایشه گفت: ای مادر! عایشه پاسخ داد: من مادر تو نیستم مادر مردان شما هستم» (ن. ک: سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۸۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۸، ص ۵۲) به اعتقاد اهل تسنن، این روایت ثابت می‌کند که تنها معنای «ام المؤمنین» حرمت ازدواج با همسران رسول خدا ﷺ است و معنایی غیر از آن ندارد. زیرا معنا نداشت که عایشه این مسأله را از زنان نفی نماید. بسیاری از بزرگان اهل تسنن، از این روایت همین معنا را فهمیده و به آن استدلال کرده‌اند.

ابن عربی مالکی درباره‌ی معنای «ام المؤمنین» می‌نویسد: مردم اختلاف دارند که آیا همسران پیامبر مادران مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا تنها مادر مردان مؤمن هستند. دو دیدگاه در این باره وجود دارد: برخی گفته‌اند که این حکم هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان، برخی گفته‌اند که تنها شامل مردان می‌شود؛ چرا که مقصود از اینکه آنها به منزله‌ی مادران آنها قرار داده

است، حرمت ازدواج با آنها است؛ زیرا از مادر بودن، حلال بودن توقع می‌رود و حلال بودن بین مردان و زنان نیست؛ به همین خاطر بین همسران پیامبر و زنان مؤمن به خاطر حرمت حجاب واجب نیست؛ این دیدگاه دوم صحیح است (همو، ج ۳، ص ۵۴۲).

ب) وجوب تعظیم همسران پیامبر ﷺ

اکثریت اهل تسنن، بر این باورند که از بخش دوم آیه‌ی ششم احزاب، می‌توان وجوب تعظیم را برداشت نمود. (ن. ک: ابن‌عاشور، ج ۲۱، ص ۱۹۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۲۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۱، ص ۲۴۷؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۳۴۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۸، ص ۵۱؛ طنطاوی، ج ۱۱، ص ۱۷۶). این گروه نیز برای خود دلایلی را ذکر کرده‌اند. این مفسران معتقدند حکم مطرح‌شده، در حقیقت احترام نهادن به خود پیامبر ﷺ و موهبتی است که خداوند به آن حضرت نموده است؛ زیرا با سخنانی که اصحاب گفتند و برای ازدواج با همسران آن حضرت نقشه کشیدند، قلب پیام‌آور خدا شکست و خداوند به منظور تسکین قلب آن حضرت، این حکم را وضع فرمود.

اکنون که حرمت پیامبر ﷺ واجب گشت، حرمت همسران پیامبر ﷺ، نیز اثبات می‌گردد. هم‌چنین ممکن بود که ازدواج با یکی از همسران پیامبر ﷺ زمینه‌ی برخی از سوء استفاده‌ها و توطئه‌ها را فراهم سازد و دشمنان و کینه‌توزان با استفاده از موقعیت آنها به مقاصد سیاسی و اهداف دنیوی خود بیندیشند؛ چنان‌چه برخی همانند عبد‌الله بن زبیر با استفاده از نسبتی که با عایشه داشت،

به بسیاری از مقاصد سیاسی و دنیوی خود رسید؛ از این رو خداوند ازدواج با آنان را بر همگان ممنوع اعلام کرد. در همین باب صاحب تفسیر «التحریر و التنویر» به احادیثی مبنی بر تعظیم و احترام همسران پیامبر ﷺ، توسط اصحاب و یاران اشاره می‌کند که بدین شرح است: ابن عباس در هنگام حمل جنازه‌ی میمونه همسر پیامبر ﷺ می‌گفت: این جنازه‌ی همسر پیامبر ﷺ است پس زمانی که آن را بلند کردید آن را به شدت تکان ندهید و آن را نلرزانید و با ملایمت و مدارا آن را حمل کنید و این حدیث را مسلم بخاری روایت کرده است و این چنین استثنای حکم ازدواج در مورد همسران پیامبر ﷺ به تعظیم و بزرگداشت بر می‌گردد.

پس به دلیل تعظیم و بزرگداشت همسران پیامبر ﷺ، در ذکر نام همسران ایشان، برای مبالغه از تشبیه بلیغ استفاده شده و آنها را به مادران مؤمنان تشبیه کرده است اما دختران آنها به عنوان خواهران مسلمانان نخواهند بود. اگر برخی از علماء هم چون شافعی در «المختصر» دختران ایشان را خواهران مؤمنان خوانده فقط از باب نامی برایشان بوده نه با نیت اثبات حکمی برای آنها و اما اطلاق وصف خال المؤمنین (دایی مؤمنان) بر معاویه، در این باب از منظر علماء دو دیدگاه وجود دارد و در این مورد شافعی تصریح کرده است که از این‌گونه خطاب‌ها می‌توان استفاده کرد (ن. ک: ابن عاشور، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

۲.۴.۴. اعطای مشروط لقب «ام المؤمنین» به همسران پیامبر ﷺ

برخی مفسران در باب اینکه حکم مطرح شده در آیه شامل همه‌ی همسران پیامبر ﷺ می‌شود یا خیر، سخن گفته‌اند (ن. ک: زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۱، ص

۲۴۷؛ سیوطی، ج ۶، ص ۵۶۶؛ ابن عاشور، ج ۲۱، ص ۱۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۸۳).

صاحب تفسیر «التحریر و التنویر» می‌نویسد: در به شمار آوردن زنان پیامبر ﷺ به عنوان امهات المؤمنین، شرط است که پیامبر ﷺ بر زن وارد شود اما اگر زنی را قبل از ورود بر او، به دلایلی هم چون جنون طلاق دهد؛ همان طور که اسماء بنت نعمان کنذیه این‌گونه بود، آن زن جزو امهات المؤمنین به شمار نخواهد رفت. وی از ابن عربی نقل کرده است که زنی با پیامبر ﷺ عقد کرد و آن زن در زمان خلافت عمر با فرد دیگری ازدواج کرد زمانی که عمر از این موضوع آگاه شد دستور به سنگسار او داد. زن اعتراض کرد و گفت: برای چه چنین حکم کردید؟ نبی برای من پوششی قرار نداد و من ام المؤمنین خوانده نشدم و با این استدلال عمر از سنگسار او خودداری کرد و این زن دختر جون کنذی بود که با أشعث بن قیس ازدواج کرد و این حکم صحیحی است که در مذهب مالکی مطرح شده و رافعی از مذهب شافعی آن را تصحیح کرده‌اند. این مفسر بعد از ذکر روایتی از ابن عربی، از مقاتل نیز آورده است که ازدواج با تمام زنانی که پیامبر ﷺ با ایشان ازدواج کرده است حرام می‌باشد، حتی اگر پیامبر ﷺ بر آنها وارد نشده باشد. به نظر شافعی که در «الروضة» آن را تصحیح کرده است زنانی که پیامبر ﷺ بعد از دخول بر ایشان، آنها را طلاق داده در مورد حرمت ازدواج با آنها دو نظر مختلف وجود دارد: نظر اول اینکه: حرمت ازدواج با این زنان به دلیل تعظیم و بزرگداشت مقام حضرت ﷺ ثابت است. نظر دوم: این حرمت ثابت نیست و همسران پیامبر ﷺ می‌توانند بعد از طلاق از پیامبر ﷺ ازدواج کنند؛ که نظر اول ارجح می‌باشد. (ابن عاشور، ج ۲۱، ص ۱۹۵).

در نتیجه می‌توان گفت، اکثریت اهل تسنن، به طور کلی از این بخش، دو حکم کلی را برداشت کرده‌اند: یکی حرمت نکاح و دیگری، وجوب تعظیم همسران پیامبر ﷺ است که البته بر حکم دوم، اصرار بیشتری دارند.

۵. نتیجه‌گیری

۱. حفظ حرمت بیت نبوت برای همگان حتی برای زنان پیامبر اکرم ﷺ واجب است، قرآن برای حفظ این بیت نیز تمام مساعی خود را به کار برده است از جمله: خطاب به زنان پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ای همسران پیامبر شما مانند هیچ‌یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سرِ تقوا دارید؛ پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع و رزد و گفتاری شایسته گویید (الأحزاب، ۳۲). و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (الأحزاب، ۳۳) از این رو قرآن لغزش آنان را مضاعف و پاداش اطاعت آنان از خدا و رسولش را دو برابر در نظر می‌گیرد و به مؤمنان نیز خطاب می‌کند: و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقاً نباید زناش را پس از مرگ او به نکاح خود در آورید چرا که این کار نزد خدا همواره گناهی بزرگ است (الأحزاب، ۵۳). بنابراین در پرتوی این آیات و مانند آنها می‌توان به معنا و مراد از ﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ پی برد.

۲. به طور قطع می‌توان ادعا کرد قرآن فضیلت و پاداشی برای زنان پیامبر

خدا ﷺ از این نظر که همسر پیامبرند در نظر نگرفته و حسابی جداگانه برای آنان باز نکرده است بلکه معیار نجات، فضیلت و پاداش مضاعف را بر اساس خداخواهی و رسول او، آخرت خواهی، اطاعت و فرمان برداری از خدا و رسول قرار داده و می‌فرماید: ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر خدا همواره آسان است (الأحزاب، ۳۰) و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (الأحزاب، ۳۱).

۳. با توجه به عبارت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» که خداوند، زنان پیامبر اکرم ﷺ را به منزله‌ی مادر قرار داده است باید، حد و حدود، آثار و احکام این توسعه تنها از ناحیه‌ی خود شارع تبیین شود، (مانند آنکه مرضعه را مادر قرار داد اما مادر رضاعی ارث نمی‌برد) به طور قطع تمام آثار مادری (به معنای حقیقی) مانند توارث، حلیت نگاه و حرمت بنات و... در این تعبیر نیست پس باید دید خداوند کدام یک از احکامی که برای مادر هست برای زنان پیامبر ﷺ قرار داده است.

۴. نحوه‌ی برخورد ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام با زنان پیامبر نیز مفسر این تعبیر است. امام علی علیه‌السلام با اصحاب جمل می‌جنگد و هرگز به این دلیل که عایشه در میان آنان است از وظیفه‌ی خود تخطی نمی‌کند در عین حال پس از جنگ عایشه را همراه با عده‌ای به سوی مدینه روانه می‌کند تا حرمت وی حفظ شود.

۵. تکلیف مؤمنان در برابر همسران پیامبر اکرم ﷺ تعظیم و تکریم آنان است و تکلیف همسران پیامبر ﷺ درباره‌ی خودشان نیز حفظ حرمت بیت نبوت است که تنها در سایه‌ی اطاعت از خدا و رسول صورت می‌پذیرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌العربی، ابوبکر محمد بن عبد الله (متوفای ۵۴۳ ق)، *أحكام القرآن*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر، لبنان: بی‌تا.
۳. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، اول، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۶. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷. اندلسی، ابن عطیة عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۸. بروجردی، سید محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶ ش.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله، *الصحيح*، تحقیق: مصطفی ديب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی ابوبکر (متوفای ۴۵۸ ق)،

- السنن الكبرى، مكتبة دار الباز، مكة المكرمة: تحقيق: محمد عبد القادر عطا، ۱۴۱۴ ق - ۱۹۹۴ م.
۱۱. ثقفی تهرانی محمد، تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، تهران: سوم، ۱۳۹۸ ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
۱۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، قم: آل البيت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. ۱۳ حسینی همدانی سید محمد حسین، انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، کتاب فروشی لطفی، تهران، اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. دروزه محمد عزت، التفسیر الحدیث، دار إحياء الكتب العربية، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. شریف لاهیجی محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تحقیق: میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین

- حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. طبرسی فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. همو، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه‌ی علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۲۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. طنطاوی، سید محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی‌تا.
۲۷. طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. فاکرمبیدی، محمد، *سیاق و تفسیر قرآن*، نشریه (علمی - پژوهشی) قیسات، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. فضل‌الله سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة والنشر، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، اعلامی، حسین، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. قاسمی، محمد جمال‌الدین، *محاسن التاویل*، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۳۲. قرشی، سید علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش.

۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۳۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۳۵. کاشانی، ملا فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.

۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۳۸. نجفی خمینی محمد جواد، تفسیر آسان، انتشارات اسلامیة، تهران: چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.



پرو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی